

## سفر به منار جام

نویسنده: فخرالدین آریاپور

تارنمای خراسان زمین

۱۴ عقرب (آبان) ۱۳۹۲

همراه بامحترم دیپلوم انجنیر عبدالاحدعباسی رییس حفظ وترمیم آبدات تاریخی وزارت اطلاعات وفرهنگ ومحترم انجنیر سیدمایل انجنیر بخش ترمیم آبدات تاریخی وزارت اطلاعات وفرهنگ ومحترم ژولین لیسلی شهروند کشور افریقای جنوبی ورییس موسسه حفظ وترمیم آبدات تاریخی افغانستان ومحترم انجنیر جاوید ساعت ده بجه قبل از ظهر فیروز کوه را به مقصدمنار جام ترک گفتیم پس از طی سفروپشت سرگذراندان کوههای منطقه سوفک،النذر،دشت های میدان بره خانه وچشمه سکینه وعبورازکوههای منطقه الله یارهمچنان ساکت ومتفکر درحرکت بودیم وموتران حامل ماسینه ی بیابان رامی شگافتند وپیش میرفتند تاکاروان به کندی ازبین صخره های سخت جان وارد دره بیدان شدکنجکاوانه برصخره ها ودره های اطراف نظر انداختیم دره بیدان راجایی دیدیم که میتوانست دندان هرمسافرا در اثر جمپ وجول های فراوان وپیچ وخم های زیاد بشکند درهرپیچ وگولایی که موتر در عمق دره فروترمیرفت همچنان اشتیاق ما نسبت به دیدن قامت منارجام بیشتر و بیشتر میشد وضربان قلب هریک مان تند ترمیزد وهمین اشتیاق زیاد باعث میشد تامشکلات بیش از حد مسیر راه صعب العبور دره بیدان رابه بادفراموشی سپرده وخودرا به اشتیاق دیدن مناربلندبالای جام مصروف بسازیم سرانجام پس طی راه فراوان دردزّه پرخم وپیچ بیدان این راه دراز،خطرناک که مغزآدم را درکله هاپوچ وخون رازوحشت دررگها می خشکاند وپس از تحمل سختی های راه در عمیق ترین نقطه دره درکناردریای خروشان هریرود درزنجیر پوسته سربازان قطعه 012 پولیس که مصروف حفاظت از ساحات باستانی منارجام بودند توقف داده شدیم بعداز معرفی تعارف سربازان موظف مارا اجازه ورود دادند حدودآدوصدمتر به طرف جنوب شرق به طرف منارحرکت کردیم نزدیک نمازشام بودکه ازدورترقامت برافراشته مناررابدیدیم وموجی ازشور وشعف مارا فراگرفته بودوهرگامی که به طرف منار نزدیک تر می شدیم دلهای هرکدام مشتاقانه زشوق به لرزه می افتادوانچنان شور واشتیاق برمابرانگیخته شدکه خستگی راه را بکلی فراموش کرده بودیم وقتیکه نگاههای عمیق مان را به منار انداختیم طوریکه حدودآنیم از مناررا نورافتاب تزیین مینمود ونیم دیگرش را سایه حسرت به خواب عمیق فروبرده بودمادربین کوههای فیروزکوه که درشمال منارواقع است،آزادکوه کوه که درجنوب غرب منارواقع است کوه عقاب نشین که درشمال غرب منار واقع است وکوه که درجنوب شرق منار واقع است روبروشدیم عبوردوتادریا (هریرود ازشمال منار ازطرف شرق به طرف غرب درجریان است ودریاچه جام ازسلسله کوههای جام وغوک سرچشمه میگردد وازطرف جنوب غرب منار که ازطرف جنوب به صوب شمال درحرکت است ودردامنه ی غرب منار جای تلاقی هروددریا است به خروش وهلهله تمام یکدیگر را درآغوش میگیرفتند ودریاچه دره جام درآغوش مادرانه هریرود محومیگردید) شگفتی های وجودمنار وسنگینی حضور جاذبه اش ماراچنان شیفته وشگفت زده کرده بود که بیشتر درتفکر بودیم تا تماشا کردن آنهمه زیبایی درآنهمه استحکام آنهمه پیچیدگی نقش هاوونبشته هادرتاق ها،رواق ها وآن رنگ وتزیینات که درطول سالیان بیش از هشتصدسال درمقابل گرمای آفتاب وسرمای زمستان مقاومت کرده وهنوز تغییرشکل نداده گویی دیروز آن رنگ هارا باپارچه های خشت آمیزش داده باشند،آنهمه پابرجایی ومقاومت درآنهمه توفان وخروش دریاها وباداها وبالاآخره آنهمه

خرد، و منطق، هوشیاری، جدیت در کار و تلفیق حماسه و عقل درین وادی برهوت دره چگونه و درچه زمانی به وقوع پیوسته بود طوری که پیکر ظاهر آفرسوده و قامت ناموزنش که حکایت گر تاریخ برجامانده چندین صد ساله اش دیگر نمیتواند تزیینات بیرونی اش را با خود محکم نگه دارد و یاهم علاقه دیگر بازیب وزینت در وجود پیرش باقی نمانده بود اما با وجود این در طول سالیان دراز غمگینانه این مشقت را تحمل کرده و خود را به عصرمارسانده باور کردیم که آفریننده این منار غول پیکر بانووغ و عظمت این جهش بزرگ را با تمدن ها و فرهنگ های زمان توسط قهرمانان بزرگ از متن همان وجدان بیدار شده ی جامعه زمان بلند تر بنا کرده است درین هنگام خورشید کم کم دامن طلایی رنگ خود را از کوهها جمع میکرد و افق پلک های خونین خویش را به هم می بست نماز شام شده بود و یکی از سربازان پوسته امنیتی در کنار منار آذان میگفت اما فوق العاده احساس میشد بنای که روزی منار مسجد جامع یک امپراتوری بوده و صدها عابد و زاهد صوفی و عارف را در هنگام شنیدن صدای جانبخش و موثر آذان از بلندای منار تا اعماق جان شان نفوذ میکرد به خود جلب میکرد سالهاست که به خاموشی گراییده و برای این خشت ها حتا خاطره هم باقی نمانده دیگر آن زمان سپری شده و سراسر دره را سکوت ناجوانمردی فرا گرفته بود و دیگر آن جوش و خروش رانداشت سرانجام بعد از یک گردش مختصر در اطراف منار شب نزدیک تر شد و سیاهی همه جا را پوشاند اما این شب برای ما مرموز تر از شب های دیگر بود همه اعضای تیم تصمیم گرفتیم تاجهت رفع خستگی راه . که عابرین را از لشکریان شکست خورده جنگ جهانی دوم خسته تر میسازد و به فکر استراحت شب باشیم و شب را در دفتر مدیریت منار جام که به قول دوستان مان مهمان خانه منار جام میگفتیم به روز رسانیدیم هنگامیکه صبح با صفا و صمیمیت لبخندی زد عروس آسمان از حمله گاهش در مقابل آزاد کوه ایستاد و روشنایی بادامن لطیفش سرو صورت خسته ما را نوازش داد و پرنندگان به جنب و جوش در آمده و صدای پرنندگان وحشی اطراف منار و کبک های کوهی دیگر به ما اجازه نداد تا به فکر آسایش خاطر های خسته ی خویش از گردوملال راه در بستر راحت بخوابیم و خواب عمیق ما را اشفته ساختند. همین که ما از خواب بیدار شدیم و آفتاب نور خویش را در کوه های اطراف منار به پاشیدن گرفت منار جام همچنان در بلاهت و سکوت غرق و در جایش پابرجا بود مثل اینکه منتظر کسی باشد در انتظار زمان نه چیزی می شنید ، نه میدید ، نه چیزی میگفت و نه هم پروای کسی را داشت و بیش از هشتصد سال است که علاوه از اینکه وزن صدها تن خشت پخته را بردوش کشیده با همین قامت سرسخت در مسیر بادها و توفانها و پیرانگر به مبارزه برخاسته و به غمی یاران دیرینه و از دست رفته اش ماتم گرفته بنای که در ادوار تاریخ دروادی پر پیچ و خم و صعب العبور این دره در نظر وسیعتر ، حیرت آورتر و باشکوه تر جلوه می نمود و فکر همه درین هستی وسیع می پرید و ما سرهای خود را به آسمان بلند کرده و رفعت و عظمت آن را از پایین مینگریستیم و با خود میگفتیم چگونه این بنا در آسمان برافراشته شده و چه کسی و چگونه آن را بنا کرده است و برای اولین بار بود که در مقابل خورشید چیز تازه ی را میدیدیم که در فضای بیکران شناور بود ما شروع کردیم به سروی مقدماتی کارهای دور بر منار و قتی که از روشن انداز که در قسمت شمال منار واقع است توسط نردبان داخل منار شدیم با پله های منار که چوب قسمت پیشروی آن را به قول مردم محل کاکامحمد عظیم ساکن اصلی قریه اوشان که در زمان در قریه استوه ساکن بوده و حرفه نجاری داشته بی رحمانه اره کشی و شانه ی موی ساخته که بعضی شان راتحویل ماهرویان استوه ، جام ، اوشان ، کمینج و بیدان میداده تا زلف های پریشان خویش را با آن بیارایند و بعضی ها را که کلان تر بوده کلان ترمی ساخته و تحویل گوسفند داران محل میداده تا موی بزهای شان را از کورک بدنش جدا کنند زینه های درن منار طوری طراحی شده که به شکل دایروی از دو طرف به سمت بالا ساخته شده طوری که در هنگام بالا رفتن از یکطرف زینه هاسمت دیگری آن رانمیتوانی به بینی از جاییکه از زیر خاک بلند تر بود در 39 زینه یک روشن انداز ساخته شده و مرحله دوم در زینه هفتاد و پنجم روشن انداز کار شده و در مرحله سوم در زینه صدم یک روشن انداز به کار گرفته شده ، در مرحله چهارم در مقابل زینه 133 یک صدوسی و سوم باز هم روشن انداز میباشد و ازین به بعد روشن انداز ها خوردتر و نزدیک به کار شدند

طوری که درزینه 136 یکصدوسی و شش یک روشن انداز کوچک به اندازه تیرکش کارگذاری شده و در مرحله بعدی در مقابل زینه 143 یکصدوچهل و سوم یک روشن انداز بزرگتر کار شده و به همین ترتیب در مقابل زینه 147 یکصدوچهل و هفتم یک روشن انداز کوچک به کار گرفته شده و درزینه 155 یکصدوپنجاوپنجم زینه های دایروی ختم شده و هر دو زینه یکجا می شوند و در نقطه از چهار سمت روشن اندازهای به اندازه کلکین کار گرفته شده که قسمت بالای آن به شکل منزل به منزل ساخته شده بود و مردم محل به آن آسیاب های منار می گفتند و روشن انداز ها طوری تعبیه شده که میتواند از یک روشن انداز تا روشن انداز بعدی را منور کنند عجیب به نظر میرسد منار که روزی شانها صد ها رعیت و برده در زیر بار حمل خشت و خاک و تزییناتش خم کرده بود امروز همان مردم به قصد انتقام گاهی اطرافش را تا عمق زمین حفر میکنند تا مزد قرن ها پیش خویش را از جواهرات مدفون در اطراف منار بگیرند و پیکر زخمی این پیر سالخورده را سالهاست که در مسیر توفانها و بادها به دست سرنوشت شومش سپردند زخمی ترکند تا بعد از چندین صد سال گروه به نام طالبان بیابند و از روی تعصب بالایش به راکت شلیک کنند و اما از بازی تقدیر گلوله ها به هدف نخورده و در کنار دریای هریرود اصابت کند و این درست در زمان واقع می شود که پیکر بودا در بامیان غرق آتش شده بود به تعداد 14 چهارده در بند دکان از خشت های پخته منار و حفریات خود سرانه اطرافش اعمار شده بود که بعد از تخریب دکانها صاحبان دکانها باز هم از سرخشت های ساحات باستانی بر نداشته و آنها را از جا کنده و به دیوارهای خانه های شخصی شان استفاده میکنند و آنها یکه توان کندن زمین را ندارند مزد نیاکان خویش را از چوب های زینه هایش بگیرند و به نسبت همین بی مهری ها و هجوم همه ساله سیلاب های مخرب دریاچه جام منار در ادوار تاریخ مجبور به دفن حدود پنج یانشش متر از بدنه ی خودش در زیر توده های خاک شده است که به همین دلیل طوری که پیشتر تذکر رفت دروزاه و رودی اش در زیر گل و خاک مدفون شده و مامجور بودیم از راه روشن انداز به داخل منار که در عصر انسان های ابتدایی ساخته شده و از حدود هشتصد و اندی سال بدینسو تا زمان ما عمر خودش را رسانده است برویم اما و دریا که ما انسانها به اصطلاح متمدن و به قول شریعی یک نسل الدنگ و تروتیمز و کاملاً بی شعور با استانداردهای بین المللی که میخواستیم بعد از پیکری فروپاشیده بودا در بامیان اجرام آجری این منار را در بازارهای همسایه به فروش برسانیم اما از سخت کوشی این منار که سالهاست در مسیر توفان ها و بادهای خطرناک در بین دو دریا و حرکت تند سنگ های که از کوهها سرازیر می شود مقاومت کرده و بر علاوه با منطق شکارچیان انسان با تفنگ های اوتوماتیک که بارها برای نشان گرفتن هر نبشته و تزیین بیرونی منار با هم شرط بندی کرده بودن بدون اینکه متوجه شون هر هدفی را که آنها با گلوله به طرفش شلیک میکنند آیات قرآنی و به ویژه سوره ی حضرت مریم است که دور منار را تزیین نموده است اما با آنها هم به آسانی میشود بعضی نبشته های منار را خواند .

آب و هوای منار بر عکس مناطق جغرافیایی اش آنقدر خشن نبوده و حالت نسبتاً معتدل بخود دارد درخت های سرگردنه ها که در طول سالیان متمادی در مسیر تندبادها بطور خود رو رشد و نمو کرده به سرسبزی کوه های اطراف منار که همه پوشیده از صخره های سربه فلک کشیده و بعضاً در حال خطر سقوط سالهای متمادی را سپری کرده و هنوز فرصت سقوط کردن نیافته کمک زیادی کرده و نسبت بخوبی و مناسب بودن آب و هوا بیست و هشت نوع درخت مثمر و غیر مثمر به شرح ذیل در اطراف منار به نظر میرسد 1- بادام نوعی کوهی و آبی 2- پسته 3- چارمغز 4- چکه 5- انار 6- امرود 7- شفتالو 8- سیب 9- جبهی 10- زردالو 11- توت 12- انگور کوهی و آبی 13- سنجیت 14- مروچه کوهی 15- خینجک کوهی 16- زلیزک کوهی و آبی 17- آلینج کوهی 18- شغز کوهی و آبی 19- بید 20- سپیدار 21- 22- عرعر 23- گز 24- دستمال پیچ 25- تأقم کوهی 26- کرکرک کوهی 27- گل گلاب 28- گلوانه و سایر بوته های گیاهی قامت منار نظریه گفته باستان شناسان 3، 2 مایل به طرف زمین تمایل پیدا کرده که شاید به دلیل فراق وجدایی از گنجینه های دفن شده در اطراف منار باشد که به قول عاصی بزرگ تمام داروندارش

را همانند جهیزیه عمه شان کردند و بردند و فروختند و خوردند و نمرند و منار هم که بدون جواهرات اطرافش که یک عمر با هم در مسیر تندبادها و فرازونشیب تاریخ با هم دستگیر و یار هم بودند و حالا جبر زمان جواهرات و مجسمه هارا به بازارهای پشاور و کراچی و لندن سرگردان کرده و منار به تنهایی و به قامت خمیده در ایام پیری از جدایی بعد از هشت صدسال یاروندیم هم بودن دیگر به احتمال زیاد زمان فرصت یکجا بودن را برای همیشه از آنها گرفته با قامت 3/2 مایل خمیده اش در اندوه یاران دیرینه اش ایستاده است و از طرف دیگر تزیینات بیرونی منار را اهتزاز صدای هیلوکوپتران آیساف واردوی ملی که به ارتفاع بسیار پایین در روبروی منار خود را در هوا ایستاده نموده و تصویر قامت پیر منار گرفته اند یا پایین انداخته و یاهم در حالت آویزان بجا گذاشته که قلب هر بیننده را در هنگام بازدید می‌تکاند که مبادا خشتی از نمای بیرونی منار یا همان خشت های که آیات قرآن مجید را در روی منار با خود در قالب نوشته ها گنجانیده از جا کنده شده و بر فرق عابرین و سیاحان اصابت کند بعد از ختم سروی منار تصمیم گرفتیم در سه کیلومتری جنوب منار به قریه جام جاییکه کوره های خشت پخته منار بود برویم که در طرف شمال غرب قریه جام در منطقه کشک در سنگ نیشته های روبروشدیم که به قول باستان شناسان همراهی مان رسم الخط عبری بودند و احتمال می‌رود که قبرستان یهودیان باشد و ساکنین قریه میگفتند ازین سنگ نیشته در سالهای قبل صدها نوع آن درین جا موجود بوده که اکنون بعضی ها را سیلاب ها با خود برده و زیر خاک مدفون کرده و بعضی ها آنتیک خران (آنتیک + خران) و کوره های خشت جام به تله خاک مبدل شده بودند روز دوم به مقصد سروی عازم فیروزکوه روبروی شمال منار جاییکه ارگ دختر پادشا میگفتند رفتیم از کنار دریای هریرود حدود دوساعت در کوه از بین سنگهای که بسیار به مشکل میشد از آن بالا رفت تا جاییکه در اکثر جایها از وحشت افتادن از صخره ها پاهای آدم سستی می‌گرفت و در میان سکوت و آرامشی که خطر آستن بود حادثه و خطر از هر سوی موج میزد در انتهای کوه خرابه های ارگی و حوضی آبی که شش متر طول حوض و سه متر عمق حوض و چهار متر عرض آن بود به نظر می‌خورد که آب حوض را از کوه روبروی آن از منطقه شه مرغک پایین می آورده و با عبور دادن از دره بیدان در فیروزکوه بالا می‌کرده جای نای های سفالین آن در حوض معلوم بود معلوم میشد کاربنای ارگ و حوض در اینجا عمل مخوفی بوده و می بایست سپاهیان و غلامان زیادی درین کار بدون اراده ی خودشان داو طلب شده و جان داده باشند همین بوده سرنوشت شوم رعیت برای مرگ می زانند و برای ویرانی می ساختند و حیات در زمان که آدم ها و قبایل شان در منجلا ب فقر ، وحشیگری و کینه توزی به سر میبردند کسی در اینجا مصروف ساختن یک بنای عجیبی بوده که خود حکایت گری یک تمدن عظیم در دنیا میباشد و وقتی از بلندی کوه با اطراف نظر می انداختیم به نظر می‌رسید کسیکه با این ارگ زندگی می‌کرده و با این حوض سروکار داشته کوه و بیابان و تنهایی را دوست داشته روح بزرگ و پر عظمتی او در محدوده و پیچیدگی شهر فیروزکوه نمی گنجیده و دلش از هیاهوی شهر و مردم دنیا اش می‌گرفته و دلش میخواست همیشه نگاهای خود را به افقهای دور دست جام و بیدان بدوزد و در پیش چشمش بیابان صاف و وسیعی با آهوان پر خط و خال و غزالان معصوم جلوه گر باشد.

روز بعد با اعضای تیم تصمیم گرفتیم به دره سمک به طرف غرب منار یعنی از زیارت خواجه سید حسن و خواجه گل خندان برویم جاییکه میگفتند یک تعداد از کوره خشت پزی منار در آنجا بوده و قتیکه بعد از حدود یک ساعت تمام پیاده روی از راه های دشوار گذر به موقعیت رسیدیم از کوره های خشت به نسبت گذشت بیش از حد زمان و حفاریات خود سرانه نشانه ی درستی از کوره ها نبود اما وجود فراوان خشت های پخته و کمرندهای باقی مانده از قدیم و خود نشانگر این بود که مقدار زیاد از خشت های کار شده در منار در همینجا پخته میشده و انواع سائزهای خشت کار شده در منار با کوره های جداگانه پخته و مورد استفاده قرار می‌گرفته است و در این جا نوعی مواد که احتمالاً سلفر باشد به وفور در دل کوه مشاهده میشد مردم محل میگفتند این مواد را در صورت که بالای آتش بگذاری به آسانی مشتعل میشود خلاصه در طی چهار روز توانستیم تمام ساحات باستانی مربوط منار را نقشه برداری و سروی نماییم و این چهار روز دره بیدان و جام برای ما با وجود تمام زحمات که به نسبت بالاشدن از کوه ها

سربه فلک کشیده میدیدیم آنقدر با تفرج سپری شد که حتا در بزرگتری پارک های تفریحی دنیا شاید موجود نباشد در شروع روز پنجم صبح زود وقتیکه دوباره مجبور بودیم منار را ترک بگوییم قوماندان پوسته امنیتی منار معلومات معلومات یکی از اهالی منطقه رادر قالب این نوشته به ما هدیه داد که زیر میخوانید .

«شهر فیروزکوه قدیم که امروز مسما و یامشهور به منارجام است یکی از زیباترین شهرهای نه ( 9 ) قرن قبل از امروز بوده و قرار معلومات صحیح وقتیکه کارمنار و یاکلدسته ی مسجد شروع شد اولاً شهر طبق ساخته شده بود که از تنگی یا حدود پلی که زمان حکومت ظاهر شاخان ساخته شده بود که شرق شهر واقع بوده تا حدود زیارت امروز که مشهور به زیارت سیدحسن می باشد روی دریا پوشیده بوده البته به مرور زمان دهن تونل بند شده و آب به روی تونل افتیده از همین سبب شهر و 15 متر از منار هم به زیر ریگ روان مدفون شده شواهد که در این باره به دست آمده در وقت حکومت طالبان کندن کاریهای خودسرانه که ماحول منار صورت گرفت از بلندی خم سلیمان راه ورودی به طرف دریا باز شد که از خشت پخته رو به زیر دریا زینه به زینه کار شده بود چندان راه آن راکه که مملو از ریگ دریابود خالی نمودند تا اینکه به این نتیجه رسیدند که این یک راه آب برداری چیزی دیگری نیست .

دیگر وقت کاریونیسف به طرف دریا که از شمال منار میگذرد کندن کاری آن به خشت پخته رسید و از روی خشت ته داب گذاری نمودند.

نشان دیگر آن در وقت حکومت داوودخان که کار تعمیر و یامسافر خانه به خاطر جهان گردان ساخته می شد در غرب آب بیدان کنار دریا چشمه ی بود مشهور به چشمه لقلقی که از خشت پخته کار شده بودند نشان این بود که دریا از طرف جنوب چشمه عبور مینموده و اثر پوشیدگی دریا را روشن می نمود به اثر بعض کندن کاریهای که به حدود تعمیر مذکور صورت گرفت در زمین آن خشت پخته قسمی کار شده بود که که نقشه ی روی منار اولاً به زمین کاری شده و بعد از آن روی منار طور شماره مانند نقشه تالی کار شده است\_ در روی منار آیات قرآن کریم به گونه ی نقش نگاشته شده بطور مثال سوره مریم که به خط عبری بین چوکات های روی منار به نگارش رسیده .

نوشته دیگری به شکل دایروی تزیین شده عبارت از {سلطان الاعظم محمود بن سام ابوالفتح قسیم امیر المومنین الفامع لاعدالله فی الارض خلیفةالله} این منار همان قصر مشهور بود که که بر بالای آن پنج کنگره طلایی مرصع به ارتفاع سه 3 گز و عرض دو 2 گز قرار داشت و مجسمه ی دو همایی طلایی به جسامت اشتری انجامنسوب بود

معلومات دیگری که از زبان یکتن از موی سفیدان اقوام الله یار به نام ارباب عبدالخالق خان درباره تاریخ و سیرت النبی معلومات کامل داشت می گفت وزارت و حکومت آنوقت دهن بیدان مشهور به کشکها که اثری از آن هم باقیست خانه سلطان و یاجای مخصوص شاه کشک های رخ به رخ منار شمال دریا پایین پایین بازار و فرقه عسکری طرف جنوب منار شرق دریای جام بوده است

نقل دیگری آن به نام ارگ دختر پادشاه که طرف شمال منار بسیار یک تپه ی بلند می باشد سر تپه حوضی ساخته شده بود که آب آن از غرب دره بیدان برابر به چشمه ی کشک امروز مشهور به به جربیدان می باشد که موقعیت آن از حوض ارگ دختری پادشاه احتمالاً صد متر بالاتر می باشد البته از لحاظ ارتفاع نه فاصله بلکه فاصله اش بیش هزار متر است {قسم نای شانی بوده که از چشمه روبه تهی دره ی بیدان هنوز اثری از آب به حدودی تنگی غالب معلوم است.

و از تهی دره به طرف کوه روبه بالای نای تابه حوض ارگ محکم کاری شده بوده که فعلاً داخل حوض نای از طرف دره بیدان معلوم است نشان پخته کاری و مهارت کامل معماران و یاب رسنان آن زمان را گواه است .

این موضوع به چندین تاریخ آمده که وقتی سلاطین غوری هند را فتح نمودند بیست و یک صندوق دانه ی قیمتی از هند آوردند که در بین برادران و عموزادگان تقسیم شده که هفت صندوق رادربامیان فرستادند و هفت صندوق در غرجستان یا غرستان و هفت صندوق دیگر در منار جام از بامیان و غرستان مدفون شده و از منار جام به گفته ی تاریخ نویسان به کوه بیهوده ی به نام ارگ دختر پادشا مصرف شده است از گفته ی تاریخ به نام هفت اقلیم کارمنار مدت یازده سال دوام نموده و مدت 9 نه سال غوری ها به آن جوانی کردند که از تقدیرات الاهی حکومت آنها سقوط کرد و حکومت به دست خوارزمشاهیان افتاد».

و اینک تصاویر از جام







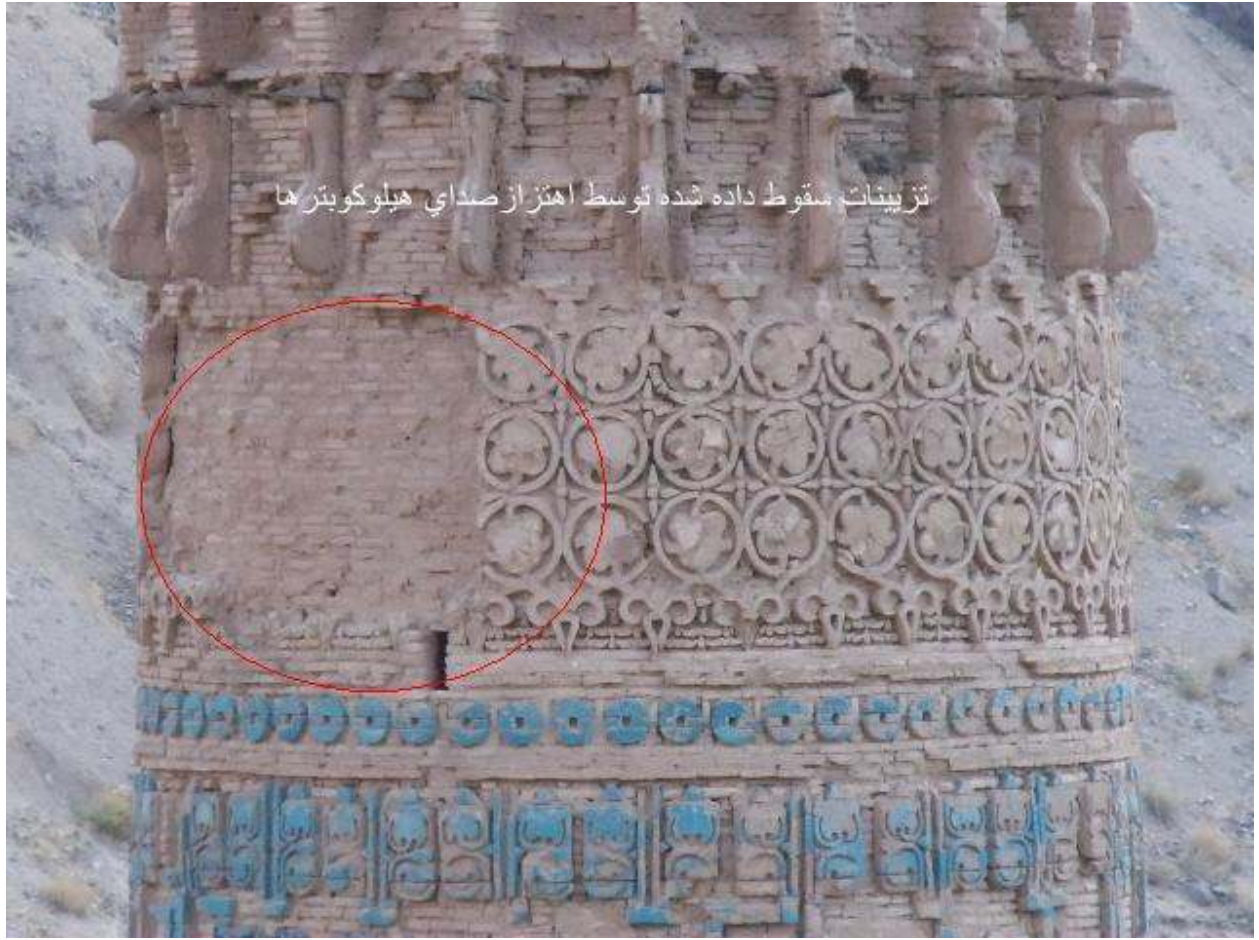






محل که احتمالاً سلفر باشد

تزیینات سقوط داده شده توسط اهتزاز صدای هیلوکوئترها



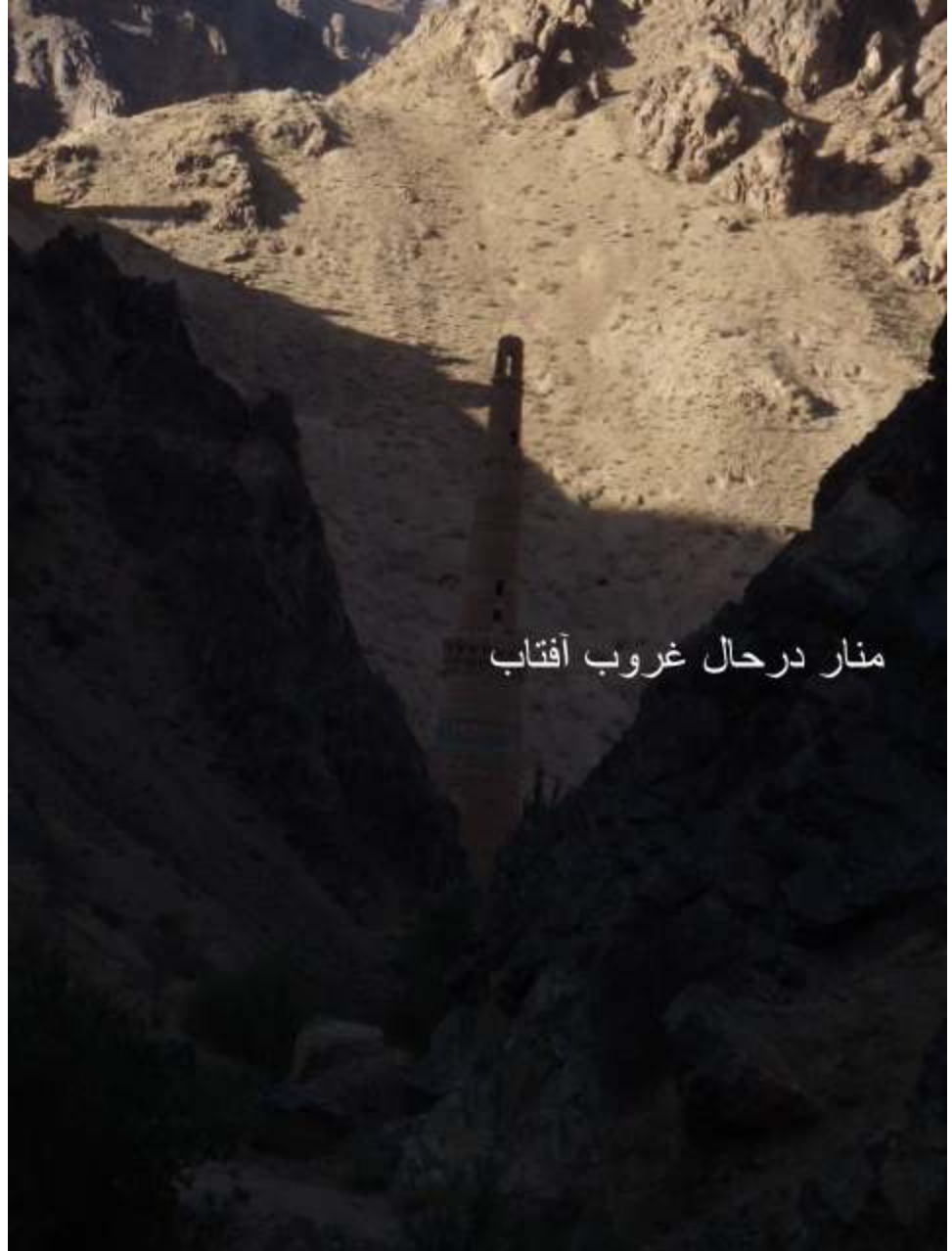
انجینیر عبدالاحد عباسی ریس ابدات تاریخی و انجینر جاوید در حال بررسی زاویه متار







خطر جدي از ناحیه سقوط دیوار استنادي جام را تهدید می نماید



منار درحال غروب آفتاب



سنگ نبشته های محل به نام قبرستان یهودان





تخریب‌های رحمت‌آباد دیوارهای استخرهای میان‌نوسطه‌تراز باشد





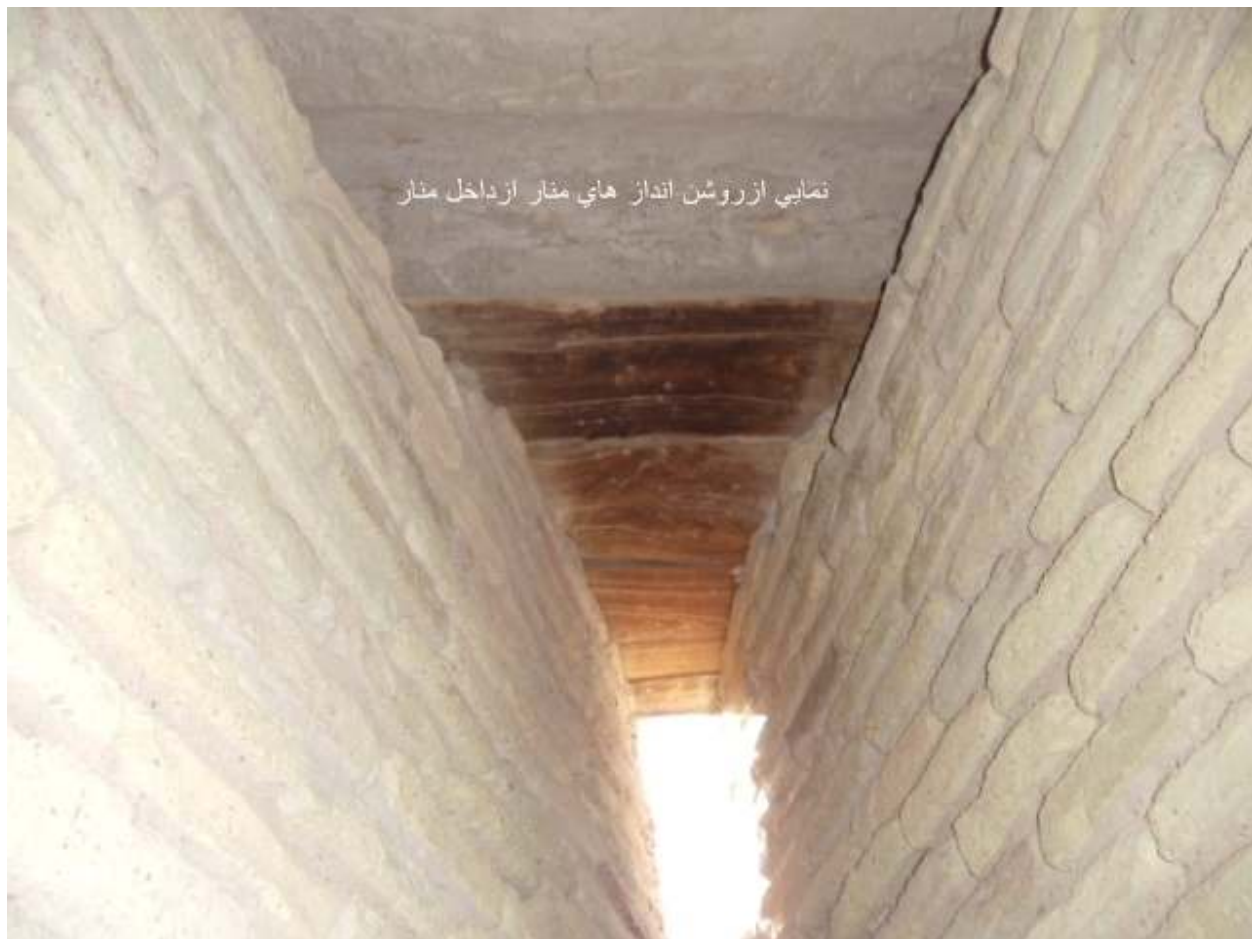
جای کنده شدن چوب های منار توسط مردم

دوره اولاد و مشایخ



نمای داخل منار از آسیاب هابیه بالا

نمایی از روشن انداز های منار از داخل منار



چوب های اره شده زیننه های منار توسط کاکاعظیم اوشانی





نمای داخل منار که در حال سقوط قرار دارد



منار از داخل توسط سیلاب ها پر شده و دروزاه عمومی معلوم نمی شود

